

خطبه های نماز جمعه مورخه 1396/10/22

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذي سمى في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم ونفسي بتقوى الله و اتباع امره و نهى. خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

توصيه پنجم پيامبر اسلام (ص) به ابوذر اين است كه: «يا ابا ذر! لَوْ نَظَرْتَ إِلَى الْأَجَلِ وَ مَصِيرِهِ، لَأَبْغَضْتَ الْأَمَلَ وَ غُرُورَهُ»

اگر به اجل و سرنوشت آن بينديشى، آرزوهای دور و دراز، و مغرور شدن به آنها را دشمن خواهی دانست.

این كه در آیات و روایات ما ره به تفكر دعوت کرده اند و در يك روايتی وارد شده است كه « تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة»¹ در روايت ديگر « ستين سنة » دارد و در روايتی پيامبر اسلام (ص) فرمودند: « فِكْرَةُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»² در روايت ديگر حسن صيقل مى گويد از امام صادق (ع) سوال كردم در باره « تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ» فرمودند بلى درست است . پيامبر اسلام چنين فرموده اند. پرسيدم « كَيْفَ يَتَفَكَّرُ؟» فرمودند: « يَمُرُّ بِالْخَرْبَةِ وَ بِالْذَّارِ فَيَتَفَكَّرُ فَيَقُولُ أَيْنَ سَاكِنُوكِ وَ أَيْنَ بَانُوكِ مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ»³ يعنى از خرابه و خانه هاى خراب شده رد مى شوى و در باره آنها فكر مى كنى و مى گويى آنهايى كه تو را ساختند و در تو ساكن بودند ، الان كجا هستند. به اين خرابه ها مى گويى چرا حرف نمى زنى؟

پيامبر اسلام (ص) نيز با خطاب قرار دادن ابوذر عليه الرحمه به ما متذكر مى شود كه شما نيز اگر اجل و مسير مرگ را مورد تفكر قرار دهيد اولاً آرزوهای طولانى را دشمن مى داريد و ثانياً فريب اين آرزوها نمى خوريد.

مگر اجل و مسير اجل چه دارد كه انسان را نسبت به آرزوهایش اين چنين مى كند؟

« اجل » آن مدت زمانى است كه براى ماندن ما در اين دنيا تعيين شده است. آن اجل حتمى به هيچ وجه نه كم مى شود و نه زياد. « وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ »⁴ و فرمود: « قُلْ لَكُمْ مِيعَادٌ يَوْمَ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَ لَا تَسْتَقْدِمُونَ»⁵ و اين اجل ناگهانى است كه به انسان خبر نمى دهد و انسان طورى است حتى هنگام مرگ نيز مردن خود را باور نمى كند.

منسوب به حضرت امير است كه فرمودند :

يَا مَنْ بِدُنْيَاهُ اشْتَغَلَ قَدْ غَرَّهُ طُولُ الْأَمَلِ
الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً وَ الْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ

قبل از فرارسيدن اجل نيز انسان يك مسيرى را به سمت مرگ و بعد از مرگ نيز يك مسيرى را به عالم برزخ طى مى كند كه همه اين مسير را خواهند رفت و براى ما كه فرصت داريم تفكر در اينها مفيد است.

اما قبل از مرگ مسير اين است كه به اجبار به سمت مرگ مى رويم. به امام سجاد (ع) گفتند : كيف أصبحت يا ابن

رسول الله ؟ حالتان چگونه است اى فرزند رسول خدا ؟

فرمودند: «أصبحت مطلوباً بأمان الله تعالى يطلبني بالفرائض و النبي ص بالسنة و العيال بالقوت و النفس بالشهوة و الشيطان بالمعصية و الحافظان بصدق العمل و ملك الموت بالروح و القبر بالجسد فأنا بين هذه الخصال مطلوب.»⁶ در امام الهى

¹ . عوالى اللئالى العزيبية فى الأحاديث الدينية ؛ ج 2 ؛ ص 57

² . مصباح الشريعة ؛ ص 114

³ . الزهد ؛ النص ؛ ص 15

⁴ . اعراف (7) : 34

⁵ . سبأ: آيه 30

⁶ . جامع الأخبار ص : 91

زندگی می کنم اما خدای متعال واجباتش و پیامبر اسلام سنت خویش ، و عیال مخارج زندگی خود ، نفسم امیال خود ، شیطان ، معصیت را ، نگهبانان الهی صدق عمل را ، ملک الموت روحم را ، و قبر جسمم را می خواهند و من بین وضعیتهایم قرار دارم.

به امام حسین (ع) عرض شد : کیف أصبحت یا ابن رسول الله ؟

فرمودند : « أصبحت و لی رب فوقی و النار أمامی و الموت یطلبنی و الحساب محدد بی و أنا مرتبهن بعملی و لا أجد ما أحب و لا أدفع ما أكره و الأمور بید غیری فإن شاء عذبنی و إن شاء عفا عنی فأی فقیر أفقر منی »
با این وضعیت به سمت مرگ در حرکت هستیم در حالی که از این مراقبان و محافظان غافل و سرگرم لذایذ دنیا هستیم. با چشم خود می بینیم که آنهایی که از ما پولدار تر بودند ، قدرتمند تر بودن ، مشهورتر بودند ، باهوش تر بودند ، باسواد تر بودند اما نتوانستند از دست اجل فرار کنند و امروز زیر خاک مدفونند و گرفتار اعمال خویش هستند.

حضرت امیر (ع) با توجه به اسن حالت انسان می فرماید : « أُولَى الْأَبْصَارِ وَ الْأَسْمَاعِ وَ الْعَافِيَةِ وَ الْمَتَاعِ هَلْ مِنْ مَنَاصِيٍّ أَوْ خَلَاصٍ أَوْ مَعَاذٍ أَوْ مَلَاذٍ أَوْ فِرَارٍ أَوْ مَحَارٍ فَأَتَى تُؤَفِّكُونَ أَمْ أَيْنَ تُصْرِفُونَ أَمْ بِمَاذَا تَغْتَرُونَ وَ إِنَّمَا حَظُّ أَحَدِكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ذَاتِ الطَّوْلِ وَ الْعَرْضِ قَيْدٌ قَدَّهُ [مُنْعَفِرًا] مُنْعَفِرًا عَلَى خَدِّهِ »⁷
این جملات چقدر تکان دهنده است؟

وقتی می میرد دیگر خانه و ماشین و پول به همراهش به قبر نمی برند فقط یک کفن ساده است که همه مردم حتی فقیرترین شخص نیز به تن دارد اگر آنها نبود ضرری به مرده ندارد. بعد از مرگ نیز وقتی متوجه می شود که مرده است هم به خدای متعال التماس می کند برگرداند تا گذشته خود را اصلاح کند و هم به فرزندان و خویشان خود التماس می کند که او را به قبر نبرند ولی هیچ التماسی دیگر پذیرفته نیست. چون خدای متعال التماسش را نمی پذیرد و اطرافیان نیز کلام و ناله او را نمی شنوند. امام علی (ع) می فرماید : « فَإِنَّكُمْ لَوْ قَدْ عَابَيْتُمْ مَا قَدْ عَابَيْنَا مِنْ مَاتَ مِنْكُمْ لَجَزَعْتُمْ وَ وَهَلْتُمْ! 265 وَ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ وَ لَكِنْ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَابَيْنَا وَ قَرِيبٌ مَا يُطْرَحُ الْحِجَابُ »⁸

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون و لا يحصى نعمائه العادون و لا يؤدى حقه المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم و لا يناله غوص الفطن ثم الصلاة و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين الذي سمى في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد

اللهم صل على علي اميرالمومنين وعلى فاطمه سيده النساء العالمين وعلى الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وعلى علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن علي وعلى بن محمد والحسن بن علي والحجه القايم المنتظر عجل الله تعالى فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره والمستشهادين بين يديه اسغفرالله لي و لكم من جميع الذنوب و الآثام و اتوب اليه

مولا امير المومنين می فرمایند وقتی فقهاء و علما به همدیگر نامه می نویسند و موعظهی را بیان می کنند فقط سه کلمه می نویسند کلمه چهارمی وجود ندارد و آن این است که :

مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ آخِرَتَهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا

وَ مَنْ أَصْلَحَ سِرِّيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ

وَ مَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ

⁷ . شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد ؛ ج6 ؛ ص275

⁸ . نهج البلاغه (للصبي صالح) ؛ ص62

یکی از ویژگیهای این دنیا این است که اگر کسی بخواهد عمل نیکی کند و یا حرف حقی بزند مخالفین آن بیش از موافقینش خواهد شد. مثلا کسی بخواهد بر علیه ظلم و ظالم قیام کند و یا از یک مظلومی حمایت کند ، ممکن است تعدادی اطرافش را بگیرند ولی قطعاً مخالفینش بیشتر خواهد شد.

از اول خلقت این گونه بوده است و تا ظهور امام زمان عجل الله فرجه این گونه خواهد بود. چون اکثر مردم به حق خود قانع نیستند و اکثر مردم گرفتار نپوای نفسند. حتی اگر آن افرادی را که زیر پرچم حق جمع شده اند نگاه کنید خواهید دید بین آن افراد نیز کسانی هستند که از حق به خاطر خود حق حمایت نمی کنند بلکه منفعت شخصی آنها اقتضاء می کند از حق دفاع کنند.

تاریخ بشریت این حقیقت را نشان داده است . تاریخ نشان داد که حضرت ابراهیم تنها یا در اقلیت بود ، حضرت نوح تنها یا در اقلیت بود ، حضرت موسی تنها یا در اقلیت بود و در نهایت حضرت پیامبر اسلام (ص) در اقلیت بود. ولی نکته امید بخش این است که در این مبارزه بین حق و باطل که همواره طرفداران باطل بسیار بوده اند ولی طرفدار حق پیروز شده است. نامی از نمود نیست ولی مکتب ابراهیمی همچنان مثل خورشید عالم تاب می تابد ، مخالفین حضرت عیسی به زعم خودشان آن حضرت را کشتند ولی امروز می بینید که مسیحیان که ولو در ظاهر خود را پیرو حضرت مسیح می دانند به دو میلیارد و 250 هزار نفر رسیده است. و روزی پیامبر اسلام در شعب ابی طالب محصور بو ولی امروز آنکه در شعب محصور بود صدها میلیون طرفدار دارد و تعدادشان به بیش از یک و نیم میلیارد رسیده است ولی نامی از ابوجهل و ابولهب نیست. پس تا کنون دو مطلب قطعی بوده است. یکی این که طرفدار حق همواره کمتر بوده و دیگر این که طرفداران حق همواره گرچه سختی دیده اند ولی همواره پیروز شده اند.

امروز یکی از مصادیق این قاعده همین نظام جمهوری اسلامی است. قدرتمندان عالم ، آنهایی که قدرت نظامی برتر ، ثروت بیشتر ، نفوذ بیشتر دارند مخالف نظام اسلامی هستند. این تاریخ نیست بلکه چیزی است که شما می بینید. کشوری که در آن انقلاب می شود لازم نیست به او حمله کنند بلکه اختلافات درونی می تواند خود آن کشور و انقلاب را از بین ببرد. در مصر دیدید چه شد و در لیبی مشاهده کردید و در بسیاری از کشورها اتفاق افتاده است که انقلاب شده و انقلاب در آغاز خود منحرف شده ، ساقط شده یا پس از مدت کمی نابود شده است.

در کشور ما انقلاب شد و شاه مملکت که دنیا پشت سرش بودند در 26 دی فرار کرد کسانی که کشور در دست آنها بود ، وزیر بودند ، کاردان بودند ، مدیریت اقتصاد کشور ، مدیریت نظامی کشور در دست آنان بود همه فرار کردند یا کشته شدند و انقلابیون که مدیریت بلد نبودند آمدند کشور را اداره کنند . نیازی نبود صدام به ما حمله کند خود انقلاب می توانست به خاطر اختلافاتی که در انگیزه‌ی بعضی از داخل کشور بود ، شکست بخورد ولی انقلاب شکست نخورد و مورد تهاجم نظامی ، فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی و مورد هاجم همه جانبه قرار گرفت.

کسانی به جبهه ها رفتند و با ژنرالها جنگیدند که فقط 15 روز آموزش نظامی دیده بودند. جوانانی در مقابل قدرتهای نظامی دنیا و ماهواره های اطلاعاتی آمریکا و مساعدتهای دو قدرت بزرگ دنیا ایستادند که شاید در طول عمرشان حتی یک بار کلاشینکف ندیده بودند. نتیجه آن شد که شما دیدید و نتیجه آن است که می بیند . امروز ایران در دنیا از چه جایگاهی برخوردار است.

اما در داخل کشور کارهای بسیار بزرگی انجام شده است ما در حالی که هشت سال جنگ را فقط خودمان مدیریت کردیم و خرابه های جنگ را باز سازی کردیم و شیطننت های آمریکا و تحریمهای آمریکا را خنثی نمودیم در عرصه های مختلف موفقیتهایی زیادی را بدست آورده ایم.

عده ای همه این موفقیتها را انکار می کنند ، عده ای مسئولیت به عهده گرفته اند در انجام مسئولینت کتاهی می کنند ، عده ای برای این که در قدرت بمانند با مردم صادق نیستند ، همه اینها در راه پیشرفت نظام سنگ اندازی کرده اند و شکست خواهند خورد.

البته باید مردم و مسئولین برای حل مشکلات و ادامه این پیشرفت‌ها را در کنار هم و باهم بخوانند. من می‌خواهم یک نکته‌ای را مطرح کنم که اگر درست نتوانم تبیین کنم شاید یک سوء تفاهم پیش بیاید ولی شما خوب دقت کنید تا مطلب را بهتر برسانم. و آن نکته این است علی‌رغم این همه خدماتی که نظام و مسئولین همین نظام که منتخب خود مردم هستند ف‌انجام داده‌اند و آنرا اکثر مردم از عملکرد دولتمردان اعم از این دولت و دولت‌های قبلی راضی نیستند و ثانیاً وقتی مردم یک شهر خود را با شهرهای هم‌جوار مقایسه می‌کنند نارضایتی بیشتر می‌شود. حالا سوال این است که با این همه کار و پیشرفت چرا مردم از عملکرد دولتمردان ناراضی هستند؟ چرا مردم این شهر می‌گویند به آن شهر می‌رسند ولی به ما نمی‌رسند و مردم آن شهر هم می‌گویند به آنها رسیدند و ما ماندیم؟ علت این نگرشها چیست؟

یکی از علت‌ها در شهرهایی مثل گرمی آن کسانی هستند که برای جلب نظر مردم سخنانی را بیان می‌کنند که واقعیت ندارد و اگر واقعیت هم داشته باشد به قصد خیرخواهی مردم نمی‌گویند بلکه برای فریب مردم می‌گویند. مثلاً کسی می‌خواهند شورای شهر شود، نماینده مجلس شود یا رئیس جمهور شود از یک طرف وعده‌هایی می‌دهد که انجام شدنی نیست. این وعده‌ها دو ضرر دارد یکی این که چون انجام نمی‌دهند اعتماد مردم را نسبت به خود و دیگر مسئولین خراب می‌کنند و ضرر دیگرش این است که وقتی مردم می‌شنوند فلانی می‌گوید من فلان کار را می‌کنم حتماً شدنی است و این که تا حال انجام نداده‌اند پس در خدمت به مردم سستی کرده‌اند.

همین گروه برای گرفتن رای بیشتر مسئولین و قبلی و عملکرد آنها را زیر سوال می‌برند. این مسئول می‌گوید مسئول قبلی خراب کرد و مسئول بعدی هم می‌آید تمام کارهای این را زیر سوال می‌برد. دولت فعلی دولت قبلی را خراب می‌کند و دولت بعدی دولت فعلی را. در این میان هیچ کاری جز بدبین کردن مردم اتفاق نمی‌افتد. حالا برای این که سوء تفاهم نشود من مثال نمی‌زنم.

همین گروه گاهی حتی در مقابل کارهایی خوبی که می‌خواهد انجام بگیرد مانع می‌شوند و سنگ اندازی می‌کنند. گرچه ممکن است کم باشد ولی گاهی اتفاق افتاده است. این کار به نام ایشان تمام می‌شود پس نگذاریم موفق شود.

علت دیگر نارضایتیها توسط مخالفین نظام به وجود می‌آید. شما نگاه کنید در حدود 300 ماهواره بیش از 20 هزار شبکه را در جهان فعال کرده‌اند که از این تعداد 18 هزار شبکه فضای ایران را گرفته‌اند که 160 کانال به زبان فارسی برنامه پخش می‌کنند. برخی از کشورهای اروپائی به اینها کمک می‌کنند فقط آمریکا ماهانه 9000 میلیارد تومان یعنی 5/5 برابر کل هزینه صداسیمای ما فقط به شبکه‌های فارسی زبان کمک می‌کند. این شبکه‌ها چه می‌گویند؟

برنامه‌های متنوعی دارند که بسیار دقیق و تخصصی پخش می‌کنند و یکی از برنامه‌ها آنها زیر سوال بردن عملکرد مسئولین و کارکرد نظام و ایجاد بدبینی در مردم برای نظام است. اینها هم تهمت می‌زنند و دروغ می‌گویند و هم اگر تخلفی در کشور صورت گرفت آن را بزرگ می‌کنند و چندین برابر می‌کنند و هم مکرر اطلاع‌رسانی می‌کنند. تعدادی زیادی از مردم و جوانان به این شبکه‌ها نگاه می‌کنند. بدون این که توجه کنند که میلیاردها دلار بر این شبکه‌ها هزینه می‌کنند برای این نیست که مشکلات مردم ایران را حل کنند بلکه غرضشان این است که مردم را فریب دهند، بدون توجه به این مسئله گاهی تبلیغات آنها را باور می‌کنند. می‌بینید شبکه بی‌بی‌سی، شبکه من تو شب یک حرفی زده فردا در مجالس ترحیم نقل می‌کنند و توجه ندارند که با این کارشان بلندگوی دشمن شده‌اند.

علت دیگر نارضایتی‌ها این است که در برخی مسئولین کشور تقصیر و در برخی دیگر قصور است و با آنها برخورد نمی‌کنند. بلکه گاهی از متخلف حمایت می‌کنند. یا مردم می‌بینند که نزدیکان صاحبان قدرت متهم هستند. اینها اعتماد سوزی می‌کنند. اگر مدیریت صوری باشد که کمتر تخلف اتفاق بیافتد و با شخص متخلف قاطعانه برخورد شود، صدمه این رفتارهای اشخاص کاهش می‌یابد.

علت دیگر نارضایتی ها این است که مسئولین گزارش ساده و همه فهم از کارهایی که انجام گرفته است به مردم ارائه نمی کنند. اکثر مردم از کارهای انجام گرفته خبر ندارند. ای کاش یک شبکه ای در کشور ایجاد می شد فقط کارش این می شد که کارهای بزرگی که در کشور صورت می گیرد برای مردم مستند و شبانه روزی ارائه می شد. و حتی به شبهات اقتصادی و عمرانی که رسانه های بیگانه ایجاد می کنند پاسخ داده می شد.

علت دیگر نارضایتی ها رفتارهای خشک و بدون احساس مسئولیت مسئولین با مردم است. کسی که می خواهد سرمایه گذاری کند علاوه بر این که باید پول زیادی داشته باشد مهمتر از پول باید بتواند از هفت خوان پیچ در پیچ قانون و مقررات و حواله های گیج کننده مسئولین به همدیگر رد بشود. بعضی ها می آیند به تونل عریض و طویل مقررات تو در تو وارد می شوند تا کارهای اداری را به پایان برسانند ، می برند و صحنه را ترک می کنند خصوصا این که گاهی اتفاق می افتد که مسئولی طمع خاصی هم دارد.

یک فردی بود می گفت من وام و کمک دولتی نمی خواهم با سرمایه خودم مثلا در حدود 120 میلیارد تومان می خواهم گاوداری بزنم ، شش ماه بود در مسابقه دو میدانی نفسگیر و ماراتن وارد شده بود که زمین بگیرد ولی موفق نشده بود در سفر اخیری که آقای استاندار داشتند دستور ویژه دادند تقریبا در یک هفته حل شد. این یعنی می شود کار را زودتر انجام داد ولی نمی کنند. نتیجه این یعنی نارضایتی.

بحمدالله در هفته گذشته کارخانه شیرآلات قهرمان افتتاح رسمی شد و در حدود 600 نفر در آن مشغول شد. بنده از مالک کارخانه و از نماینده اسبق شهرستان جناب آقای اسماعیلی که سنگ بنای این کارخانه را ایشان گذاشتند تشکر می کنم. 150 تا 200 نفر نیز تا عید بر تعداد افراد مشغول در آن اضافه خواهد شد.

ابتداء قرار بود دولت 70 در صد هزینه کارخانه را دولت به صورت تسهیلات ارزان قیمت کمک کند و 30 در صد بقیه را خود مالک بیاورد. ولی همه سرمایه را در حدود 91 میلیارد تومان خود صاحب کارخانه آورد و دولتی کمک مستقیم به کارخانه نکرد و الان هم می گوید اگر دولت کمک کند می توانم فاز دوم آن را نیز احداث کنم البته استاندار محترم وعده دادند که کمک خواهند کرد.

همین یک کارخانه که 400 نفر به طور مستقیم در آن کار می کنند و ماهانه بیش از 650 میلیون تومان حقوق می گیرند در همین شهر هزینه می شود. باید مسئولین و مردم این چنین افراد را تشویق کنند و کمک کنند که یک خدمت بزرگی به شهرستان است.